

خبر

آرامش در دل بحران

شرق: در نشست تخصصی «سبک زندگی تاب‌آور در بستر جنگ»، صاحب‌نظران تاکید کردند که آرامش نه گریز از بحران، بلکه برآمده از مواجهه فعال با آن است؛ همان‌گونه که تاب‌آوری نیز بیش از آنکه محصول سیاست‌گذاری رسمی باشد، از دل روابط اجتماعی، فرهنگ و زیست‌روزمه شکل می‌گیرد. بحث از «آرامش» در زمانه بحران، اغلب به توصیه‌های فردی و نسخه‌های روان‌شناختی تقلیل می‌یابد؛ از تمرین‌های تنفسی تا تکنیک‌های مدیریت استرس. اما آنچه در نشست «سبک زندگی تاب‌آور؛ بازتعریف معنا و آرامش در بستر جنگ» مطرح شد، تلاشی برای جابه‌جایی این نگاه از سطح فردی به سطحی عمیق‌تر، تاریخی و اجتماعی بود. براساس این چارچوب، آرامش دیگر گریز از تنش نیست، بلکه کیفیتی است که در دل تعارض، مسئولیت و کنش شکل می‌گیرد. هم‌زمان، تاب‌آوری نیز نه یک پروژه از بالا به پایین، بلکه فرایندی ریشه‌دار در تجربه زیسته مردم، شبکه‌های اجتماعی و حافظه فرهنگی جامعه تلقی می‌شود؛ برداشتی که می‌تواند نسبت ما با بحران را از انفعال به کنشگری تغییر دهد. نشست مجازی «سبک زندگی تاب‌آور؛ بازتعریف معنا و آرامش در بستر جنگ»، با حضور میثم مهدیار عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، جبار رحمانی عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و حسین شهرستانی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد. در ابتدای این نشست، میثم مهدیار با نقد نگاه‌های تقلیل‌گرایانه به مفهوم آرامش، تاکید کرد که نمی‌توان آن را صرفاً به مجموعه‌ای از تکنیک‌های فردی فروکاست. به گفته او، آرامش را باید در افاق فلسفه تاریخی فهم کرد؛ جایی که این مفهوم نه به‌عنوان فقدان تنش، بلکه به‌عنوان کیفیتی برآمده از مواجهه فعال با تعارض‌ها معنا پیدا می‌کند. او با رد تلقی رایج از آرامش به‌عنوان امری منفصل، افزود: آرامش نوعی قوام درونی است که در فرایند مبارزه، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در تحولات تاریخی شکل می‌گیرد. از این منظر، فرد نه با کناره‌گیری از جهان، بلکه از طریق نسبت‌گیری آگاهانه با نیروهای متعارض اجتماعی و تاریخی به آرامش می‌رسد؛ همان نقطه‌ای که انسان میان رنج و معنا پیوند برقرار می‌کند. مهدیار این برداشت را فراتر از یک مهارت روان‌شناختی دانست و آن را مفهومی وجودی و تاریخی توصیف کرد که در دل کنش و تعهد شکل می‌گیرد. او تاکید کرد که این نگاه در تقابل با گفتمان‌های رایجی قرار دارد که آرامش را در فرار از بحران جست‌وجو می‌کنند و در عوض، انسان را به‌عنوان کنشگری فعال در بستر تاریخ تعریف نمی‌کنند. در ادامه، جبار رحمانی با تمرکز بر مفهوم تاب‌آوری اجتماعی، بر نقش تعیین‌کننده نهادهای غیررسمی تاکید کرد. به گفته او، تجربه نشان می‌دهد بیش از نهادهای رسمی، این خانواده‌ها، شبکه‌های خوشایندی، همیاری‌های محلی و کنش‌های خودجوش هستند که ذخیره اصلی تاب‌آوری را در جامعه تولید می‌کنند. رحمانی با اشاره به اینکه تاب‌آوری محصول زیست‌روزمه است، گفت: این مفهوم صرفاً حاصل مذاکلات برنامه‌ریزی‌شده نیست، بلکه از دل روابط اجتماعی بافتل شکل می‌گیرد. بر همین اساس، هرگونه تلاش برای تقویت تاب‌آوری باید مبتنی بر واقعیت‌های موجود جامعه باشد. این استاد دانشگاه همچنین بر ضرورت ارائه تصویری «بهنجار» از جامعه‌تکدید کرد، تصویری که در آن وجود مسئله، بحران و ناکامی انکار نشود. به باور او، پذیرش این واقعیت‌ها بخشی از فرایند یادگیری و سازگاری جمعی است و ارائه تصویر آرمانی و بی‌مسئله، نه‌تنها کمکی به تاب‌آوری نمی‌کند، بلکه آن را تضعیف می‌کند. او در ادامه با نقد رویکردهای یگساز ساز در سیاست‌گذاری اجتماعی گفت: فرض حرکت همه افراد و گروه‌ها به سوی تاب‌آوری از یک مسیر واحد، ساده‌انگارانه است. تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و تجربی ایجاب می‌کند که به جای نسخه‌های کلی، مسیرهای متنکر و متناسب با زمینه‌های مختلف در نظر گرفته شود. در بخش دیگری از این نشست، حسین شهرستانی با نگاهی فرهنگی-تاریخی به مسئله تاب‌آوری، بر نقش «امر ملی» در تقویت انسجام اجتماعی تاکید کرد. او این امر را به‌ویژه در کنش‌های مذهبی قابل مشاهده دانست؛ جایی که عناصر هویت ملی در دل این‌ها و نمادهای دینی بازمیایی می‌شوند. به گفته او، ارجاع به نمادهای حماسی و ملی، مانند شخصیت‌هایی همچون رستم در سرودها و روایات‌های آیینی، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان سنت‌های دینی و میراث حماسی در حافظه جمعی ایرانیان است؛ پیوندی که به تولید همبستگی فرهنگی کمک می‌کند. شهرستانی با تاکید بر اینکه تجربه امر ملی زمانی کارآمد است که در چارچوبی معنادار و جهت‌بخش قرار گیرد، افزود: این معناست که می‌تواند کنش جمعی را برانگیزد و آن را در قالبی قابل فهم برای جامعه سازمان دهد. او همچنین گفت که در تاریخ ایران، ملی‌گرایی غالباً در بستر هویت دینی معنا یافته و از همین مسیر توانسته است انسجام اجتماعی ایجاد کند. به گفته او، زیست تاریخی ایرانیان همواره با نوعی آگاهی نسبت به حماسه و رزم همراه بوده است؛ فرهنگی که در آن «بزم» و «رزم» به‌عنوان دو وجه مکمل زندگی اجتماعی در کنار یکدیگر حضور دارند. شهرستانی این آمیزه فرهنگی را زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی منش حماسی در جامعه دانست و تاکید کرد: جامعه‌ای که روایت‌های حماسی و تجربه‌های مبارزه را در حافظه فرهنگی خود حفظ کرده است، در مواجهه با بحران‌ها نیز از توان بیشتری برای ایستادگی و بازسازی برخوردار خواهد بود.

نورا حسینی، خانه وارطان دوباره به نقشه بازآفرینی شهری برگشته است؛ اما این بار نه به‌عنوان یک بنای تاریخی صرف، بلکه به‌منابه «اتاق روایت» تجربه‌های فراموش‌شده شهرهای ایران. این خانه قرار است به کانون گفت‌وگو دوباره سیاست‌ها و تجربه‌های واقعی بازآفرینی تبدیل شود؛ جایی که شهر نه ساخته، بلکه روایت می‌شود. در شرایطی که بخش مهمی از تجربه‌های بازآفرینی در ایران، یا دیده نشده یا در سطح گزارش‌های اداری باقی مانده، این خانه قرار است به نقطه اتصال تجربه‌های پراکنده تبدیل شود. خانه‌ای تاریخی که حاشیه‌های زیادی را پشت سر گذاشته و مدت‌ها درهایش بسته بوده، حالا با نام خانه آفرینش‌های شهری بازگشته است. با مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران درباره بازگشایی دوباره این خانه گفت‌وگو کرده‌ایم که در پی می‌آید.

✚ پس از سال‌ها سکوت درباره خانه وارطان، دوباره این خانه در مسیر احیا قرار گرفته است. درباره فعالیت‌هایی که قرار است در این خانه تاریخی انجام شود، توضیح می‌دهید؟
خانه آفرینش‌های شهری در حوزه بازآفرینی، اساساً فضایی برای گفت‌وگو میان افرادی است که دغدغه شهر دارند؛ کسانی که به بازآفرینی شهری فکر می‌کنند و به دنبال شناخت و فعال‌سازی ظرفیت‌های شهری هستند. همان‌طوره که اشاره کردید، در سال‌های گذشته از این فضا و ظرفیت در حوزه بازآفرینی استفاده شد و رویدادهای درخور توجهی نیز آن شکل گرفت. بااین‌حال، در مقطعی این‌ها مجموعه از اهداف اولیه و رویکردهای بنیادین خود فاصله گرفت. همین فاصله باعث ایجاد حساسیت‌هایی شد و در نهایت نتوانست به یک جریان پایدار و منسجم در امتداد رویکرد بازآفرینی تبدیل شود. با تغییر مدیریت‌ها و شرایطی که پیش آمد، این جریان متوقف شد و در این میان برای مجموعه‌ها و افرادی که در آن فعال بودند و زحمت کشیدند نیز مشکلاتی به وجود آمد. اما رویکردی که امروز در وزارت راه و شهرسازی دنبال می‌شود، بر این مناسبت که درهای وزارتخانه به‌عنوان نهادی که در ارتباط مستقیم با بخش‌های مختلف جامعه است، به روی مردم، اندیشمندان و صاحبان فکر باز باشد. ما باید بتوانیم روایت پروژه‌ها و اقدامات عمرانی، ساختمانی و زیرساختی کشور را در معرض گفت‌وگو و دآوری افکار عمومی و متخصصان قرار دهیم. در این چارچوب، ظرفیت چنین فضاهایی بسیار مهم است و می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند؛ به‌ویژه با توجه به موقعیت مکانی خاص این ساختمان. من حتی پیش از آنکه به معاونت شهرسازی شهرداری تهران وارد شوم، همواره این نگاه را داشتم که مرکز فرهنگی تهران در همین محدوده شکل گرفته؛ محدوده‌ای از میدان فردوسی تا انقلاب و تا خیابان طاهمی. اینجا در واقع قلب فرهنگی شهر تهران است. در این محدوده، دانشگاه‌های معتبر، مراکز فرهنگی و هنری، فضاهای تئاتری، پارک‌ها و بوستان‌ها در کنار هم قرار گرفته‌اند. این منطقه فضایی است که اگر کسی دغدغه فرهنگی داشته باشد، چه در حوزه تئاتر، موسیقی، سینما و چه کتاب، به‌طور طبیعی به آن ارجاع داده می‌شود. این هویت برخلاف تصور از بالا طراحی نشده، بلکه به‌صورت طبیعی و در طول زمان توسط مردم شکل گرفته است؛ از کتاب‌فروشی‌ها و کافه‌ها تا سایر فضاهای فرهنگی فعال. حتی مساجد این محدوده نیز در همین زیست فرهنگی نقش دارند؛ از جمله مسجد سجداد اثر استاد لاریزاد در همین محدوده قرار دارد. در این مجموعه نشان می‌دهد که این بخش از شهر در همه حوزه‌هایی که به فرهنگ، اندیشه و زیست شهری مرتبط است، فضایی فعال و زنده دارد؛ نه به‌صورت دستوری، بلکه به‌طور طبیعی و تاریخی. معماری ایران در دوره پهلوی اول با این فضا مواجه شد. این بنا در محدوده‌ای قرار دارد که به‌نوعی قلب فرهنگی شهر تهران است و همین موقعیت، ظرفیت آن را مضاعف می‌کند برای اینکه بتواند هدفی را که ما در ارتباط با مردم دنبال می‌کنیم، محقق کند. امروز اینجا با عنوان خانه آفرینش‌های شهری تعریف شده و قرار است به کانونی تبدیل شود برای شناخت ظرفیت شهرها و برقراری ارتباط میان مردم و پروژه‌های شهری. در کشور پروژه‌های بسیار خوبی انجام شده که بخش زیادی از آنها صرفاً روایت شده است.

✚ این فضا چه کمکی می‌تواند به این هدف کند؟

تلاش کرده‌ایم خانه آفرینش‌های شهری را به محلی برای روایت و گفت‌وگو درباره ظرفیت‌های شهر تبدیل کنیم، جایی که بتواند میان مردم و تجربه‌های موفق شهری ارتباط برقرار کند. در کشور ما پروژه‌های بسیار خوبی در حوزه بازآفرینی انجام شده که بخش زیادی از آنها دیده نشده یا روایت دقیقی از آنها شکل نگرفته است؛ اینجا می‌تواند بستری باشد برای اینکه این تجربه‌ها به‌صورت منظم و مستمر ارائه شوند. مثلاً بتوانیم یک ماه را به استان اصفهان اختصاص دهیم، ماهی دیگر را به زنجان، بوشهر یا بندرعباس. در همه این شهرها اقدامات درخور توجهی در حوزه بازآفرینی انجام شده است، حتی در شهرهای کوچک‌تر هم گاهی اتفاقاتی رخ می‌دهد که بسیار الهام‌بخش است. من خودم در شهری در خراسان رضوی با جمعیتی حدود پنج هزار نفر دیدم که چگونه یک آب‌انبار قدیمی را به فضایی برای بازی‌های رایانه‌ای و فعالیت‌های فرهنگی تبدیل کرده بودند. این برای من واقعا شوک‌تلقین‌کننده بود. یا نمونه‌های دیگر، شهری بود که کوچ‌هایش با مشارکت مردم، سنگفرش شده بود. مدل اجرا هم جالب بود؛ شهرداری فقط مصالح را تأمین کرده بود و خود مردم در اجرا نقش داشتند. حتی برای هر کوچه یک مدیر از میان ساکنان همان کوچه انتخاب شده بود. برخی هزینه بنا و بارگرا را پرداخت می‌کردند و برخی خودشان کار اجرا را بر عهده می‌گرفتند. نتیجه این شد که بخش زیادی از شهر با همین روش بازآفرینی شد؛ به‌طوری که نزدیک ۸۰ درصد کوچه‌ها در

در گفت‌وگو با عبدالرضا گلپایگانی، مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، مأموریت تازه بنای تاریخی وارطان تشریح شد

بازگشت یک روایت نیمه‌خاموش



مدت کوتاهی به همین شکل ساماندهی شدند. البته کمک‌هایی هم از شرکت بازآفرینی به این پروژه شده بود. اما مهم‌تر از خود پروژه، روایتی است که از آن شکل می‌گیرد. این نوع تجربه‌ها قابلیت تکثیر دارند؛ چون هر سنگفرش در این شهر به یک خاطره جمعی تبدیل می‌شود. این همان چیزی است که به نظر من ارزش اصلی بازآفرینی است. این تجربه‌ها باید گفته و منتشر شوند؛ چون بازآفرینی فقط پروژه عمرانی نیست؛ یک رویکرد و یک نوع نگاه به شهر است؛ نگاه به اینکه ما هر بنای فرسوده‌ای را لزوماً نباید تخریب کنیم. باید ببینیم چه خاطره‌ای، چه ظرفیت فیزیکی و چه میزان از نیروی انسانی و سرمایه در آن وجود دارد که می‌تواند دوباره فعال شود. این فهم زمانی شکل می‌گیرد که تجربه‌های موفق دیده و ترویج شوند. اگر این روایت‌ها درست منتقل شوند، آن‌وقت نگاه تازه به شهر و احیای ظرفیت‌های شهری به یک جریان واقعی تبدیل می‌شود. نکته‌ای که اشاره کردید دقیقاً در امتداد رویکردی است که امروز دنبال می‌کنیم. تلاش ما این است که خانه آفرینش‌های شهری به محلی برای روایت تجربه‌های شهری و گفت‌وگو درباره ظرفیت‌های مغفول‌مانده شهرها تبدیل شود؛ جایی که بتواند میان مردم، مدیران شهری و تجربه‌های موفق پیوند برقرار کند. اما نکته مهم‌تر از خود این اقدامات، روایتی است که از آنها شکل می‌گیرد. این تجربه‌ها قابلیت تکرار و تکثیر دارند، چون هر جزء آن می‌تواند به یک خاطره جمعی و یک سرمایه اجتماعی تبدیل شود؛ مانند همان سنگفرش‌هایی که در ذهن و حافظه مردم آن شهر ماندگار شده است. بازآفرینی صرفاً یک پروژه عمرانی نیست، بلکه یک رویکرد و نوعی نگاه به شهر است. نگاهی که در آن، تخریب و نوسازی تنها گزینه پیش‌رو نیست. باید دید چه ظرفیت‌هایی در کالبد موجود، در خاطره جمعی و در سرمایه انسانی نهفته است که می‌تواند دوباره فعال شود. این نوع نگاه زمانی شکل می‌گیرد که تجربه‌های موفق دیده، روایت و ترویج شوند. در چنین شرایطی، بازآفرینی از سطح پروژه‌های پراکنده فراتر می‌رود و به یک جریان فکری و عملی در مدیریت شهری تبدیل می‌شود. اما مسئله اینجاست که نمونه‌های خوب کمتر مجال ارائه پیدا می‌کنند. فضاهایی برای دیده‌شدن و روایت‌شدن آنها وجود ندارد. در نتیجه، اگر این نمونه‌های باکیفیت از نظر کیفیت فضایی، پایدار و اثری که بر محیط می‌گذارند معرفی نشوند، آنچه در دسترس قرار می‌گیرد، بیشتر نمونه‌های ضعیف است و همین نمونه‌های ضعیف تکرار و تکثیر می‌شوند. در این میان، کسانی که نگاه بلندمدت‌تری دارند، فقط حس اندوه دارند از اینکه چرا تجربه‌های خوب دیده نمی‌شوند و به جریان تبدیل نمی‌شوند. بازآفرینی به معنای توقف در گذشته نیست. اگر جایی ظرفیت بهبود وجود دارد، باید از همه ابزارها برای ارتقای آن استفاده کرد. درواقع بازآفرینی یعنی شناخت ظرفیت‌های ذاتی پدیده‌ها و شکوفاکردن آنها. این موضوع در بسیاری از فضاهای شهری ما وجود دارد. برای مثال، در سبزوار اتفاقی در حوزه مدیریت محلی افتاده که واقعا بی‌نظیر است؛ مشارکت مردم در مدیریت محله. این موضوع برای بسیاری از شهرها یک آرزو تلقی می‌شود و تصور می‌کنند دست‌نیافتنی است، اما وقتی وارد محله‌هایی می‌شوید که این مدل در آنها اجرا شده، می‌بینید کاملاً شدنی است. اگر این تجربه‌ها روایت شده و به‌دراستی ارائه شوند، همان فضایی شکل می‌گیرد که برای بهبود کیفیت زندگی شهری به آن نیاز داریم. این تجربه‌ها می‌توانند به اقدامات اجرایی مؤثر تبدیل شوند. امیدوارم این رویکرد و چشم‌اندازی که برای خانه آفرینش‌های شهری تعریف شده است، محقق شود. اینجا شاید اولین خانه از این نوع در کشور به‌شمار ایران است و ظرفیت‌های بسیار زیادی برای توسعه چنین فضاهایی وجود دارد.

✚ مگر مقدر روایت‌های متفاوت داریم؟

در شهرهای مختلف می‌توان نمونه‌های متعددی پیدا کرد. به طور مثال در اصفهان برخی حمام‌های تاریخی به رستوران تبدیل شده بودند. اما نمونه‌ای مثل حمام قاضی، در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، رویکرد متفاوتی دارد؛ آنجا حمام تاریخی دوباره به‌عنوان حمام تاریخی احیا شده. ما حتی یکی از میهمانانی را که از کشور کره به ایران سفر کرده بودند، به این حمام بردیم و این بازدید برای او به تجربه‌ای بسیار تأثیرگذار تبدیل شد؛ به طوری که خودش بعدها تعریف می‌کرد این حمام ایرانی برایش یک کشف فرهنگی بوده است. این در حالی است که حتی نسل امروز جامعه ما هم گاهی از وجود چنین فضاهایی بی‌اطلاع است. ما معمولاً تصور می‌کنیم که باید این بناها حتماً به کاربری‌های جدید مثل رستوران یا فضاهای تجاری تبدیل شوند، درحالی‌که در بسیاری موارد می‌توان خود هویت تاریخی آنها را حفظ و احیا کرد.

| | | | | | | | | | |
|-----------------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حل سودوکو ۴۳۰۴ | | | | | | | | | |
| ۳ | ۸ | ۱ | ۲ | ۷ | ۶ | ۹ | ۵ | | |
| ۵ | ۹ | ۴ | ۸ | ۳ | ۶ | ۲ | ۷ | ۱ | |
| ۲ | ۷ | ۹ | ۱ | ۵ | ۳ | ۸ | ۴ | ۶ | |
| ۸ | ۲ | ۷ | ۵ | ۱ | ۶ | ۴ | ۳ | ۹ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۳ | ۷ | ۹ | ۲ | ۸ | ۱ | ۶ |
| ۱ | ۶ | ۳ | ۴ | ۸ | ۵ | ۲ | ۷ | ۹ | |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۸ | ۳ | ۴ | ۵ | ۹ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۸ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ | |
| ۸ | ۶ | ۵ | ۳ | ۲ | ۹ | ۱ | ۷ | ۴ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۱ | ۷ | ۴ | ۵ | ۶ | ۲ | |
| ۴ | ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۵ | ۸ | ۹ | ۳ | |
| ۶ | ۴ | ۸ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۳ | ۷ | |
| ۵ | ۱ | ۹ | ۳ | ۸ | ۲ | ۶ | ۷ | ۴ | |
| ۹ | ۳ | ۶ | ۵ | ۸ | ۴ | ۲ | ۷ | ۱ | |
| ۷ | ۸ | ۲ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۱ | ۶ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۸ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ | |
| ۸ | ۶ | ۵ | ۳ | ۲ | ۹ | ۱ | ۷ | ۴ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۱ | ۷ | ۴ | ۵ | ۶ | ۲ | |
| ۴ | ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۵ | ۸ | ۹ | ۳ | |
| ۶ | ۴ | ۸ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۳ | ۷ | |
| ۵ | ۱ | ۹ | ۳ | ۸ | ۲ | ۶ | ۷ | ۴ | |
| ۹ | ۳ | ۶ | ۵ | ۸ | ۴ | ۲ | ۷ | ۱ | |
| ۷ | ۸ | ۲ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۱ | ۶ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۸ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ | |

حل سودوکو ۴۳۰۴

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳ | ۸ | ۱ | ۲ | ۷ | ۶ | ۹ | ۵ | | |
| ۵ | ۹ | ۴ | ۸ | ۳ | ۶ | ۲ | ۷ | ۱ | |
| ۲ | ۷ | ۹ | ۱ | ۵ | ۳ | ۸ | ۴ | ۶ | |
| ۸ | ۲ | ۷ | ۵ | ۱ | ۶ | ۴ | ۳ | ۹ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۳ | ۷ | ۹ | ۲ | ۸ | ۱ | ۶ |
| ۱ | ۶ | ۳ | ۴ | ۸ | ۵ | ۲ | ۷ | ۹ | |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۸ | ۳ | ۴ | ۵ | ۹ | |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۸ | |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ | |

حل سودوکو ۴۳۰۴

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۶ | ۵ | ۳ | ۲ | ۹ | ۱ | ۷ | ۴ |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۱ | ۷ | ۴ | ۵ | ۶ | ۲ |
| ۴ | ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۵ | ۸ | ۹ | ۳ |
| ۶ | ۴ | ۸ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۳ | ۷ |
| ۵ | ۱ | ۹ | ۳ | ۸ | ۲ | ۶ | ۷ | ۴ |
| ۹ | ۳ | ۶ | ۵ | ۸ | ۴ | ۲ | ۷ | ۱ |
| ۷ | ۸ | ۲ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۱ | ۶ |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۸ |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ |

حل جدول ۵۲۰۸

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱ | م | س | ق | ط | ش | م | س | و | ز | ی | ر | ک | خ | گ |
| ۲ | ز | م | م | د | ب | و | ق | ب | ا | ل | ا | ل | ا | ک |
| ۳ | م | م | م | ن | م | ت | ش | ن | ا | ن | ا | ن | ک | ک |
| ۴ | و | ا | س | خ | ی | خ | ی | ا | ی | س | ی | ک | ی | ا |
| ۵ | ا | س | ا | ج | ی | م | ب | س | و | ط | و | س | ا | ن |
| ۶ | ا | ل | ا | ن | س | خ | ع | ر | ی | ک | ه | ک | ه | ک |
| ۷ | ق | ل | ج | ت | ر | ب | ت | ا | ر | ن | ب | ب | ب | ب |
| ۸ | ه | ا | م | ا | ه | ا | ه | ب | ا | ب | ی | ک | م | ک |
| ۹ | ه | ر | ا | ه | ش | ی | ر | ک | ی | ک | ر | ب | ن | ب |
| ۱۰ | ه | م | ه | ب | ر | ک | م | ر | ا | ه | ه | ی | ه | ی |
| ۱۱ | ن | س | ن | ا | ی | م | ل | م | و | س | س | س | س | س |
| ۱۲ | ک | ف | ت | ر | ی | ا | ج | و | ل | ت | ت | ر | ک | ک |
| ۱۳ | ا | خ | ر | س | د | ی | د | ک | ا | ه | و | و | و | و |
| ۱۴ | ا | ی | و | س | ک | ی | م | و | ت | ل | ی | ت | ت | ت |
| ۱۵ | د | ر | ن | ک | ا | ر | د | ن | د | ن | ا | ر | ر | ر |

گزارش

چه عواملی تهران را پایدار نگه داشته‌اند بازگشت‌ترده، ادامه‌تعلیق

منصوره محمدی: با گذشت روزهایی از اعلام آتش‌بس، نشانه‌هایی از بازگشت زندگی روزمره در تهران دیده می‌شود؛ خیابان‌ها شلوغ‌تر شده و مردم به خانه‌ها و کارهای خود برگشته‌اند. با این حال بسیاری از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی نشان می‌دهد پایتخت هنوز فاصله قابل توجهی با «شهر پایدار» دارد و آنچه امروز در شهر جریان دارد، بیشتر نوعی سازگاری موقت و تاب‌آوری شکننده است.

پس از هر بحران بزرگی، یکی از سوالات کلیدی این است که آیا شهر می‌تواند به وضعیت پایدار بازگردد؟ در روزهایی که از آتش‌بس در ایران و تهران می‌گذرد، تلاش برای بازگشت به زندگی عادی در میان عموم شهروندان در جریان است. هرچند شهر هنوز با پایداری فاصله دارد. شهر پایدار را نه به معنای بازگشت به جریان زندگی در گذشته، بلکه می‌توان به مفهوم توان شهر و جامعه برای حفظ کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی تعبیر کرد. در صورتی که ثبات اقتصادی را نیز به این مفهوم اضافه کنیم، شرایط کنونی که شهر با پایداری فاصله زیادی دارد.

معصومه اشتیاقی، دکترای جامعه‌شناسی تاکید دارد هنوز درباره پایداری شهر نمی‌توان به صورت دقیق صحبت کرد و باید پژوهش‌های بیشتری انجام شود، اما به عقیده او براساس مشاهدات میدانی شهروندان توانستند خودشان را با شرایط جدید تطبیق دهند و به محض اینکه آتش‌بس اعلام شد، تهران دوباره شلوغ شد و مردم به خانه‌های خود بازگشتند. او تاکید دارد پایداری کامل در شهر رخ ن داده چراکه هر جنگی تبعات روحی، روانی، اجتماعی و اقتصادی خود را دارد، اما آنچه سطح ماجراً و بدون لحاظ‌کردن زیر پوست شهر نشان می‌دهد، زندگی در پایتخت جاری است و این‌گونه نیست که شهروندان در یک وضعیت معلق قرار داشته باشند.

به گفته این جامعه‌شناس، یک نکته مهم درباره وضعیت این روزهای مردم شهر، کسب و کار، معیشت و دسترسی آنها به اینترنت است که این محدودیت‌ها سبک زندگی انسان‌ها را بسیار آیزوله کرده است. هرچند جامعه ایرانی همیشه در شرایط بحران به حافظه تاریخی خود بازمی‌گردد و می‌تواند خود را بازایی کند، از زیست خود محافظت کند و به نسبتی پایداری را هرچند بسیار شکننده، تجربه کند. اشتیاقی می‌گوید نگاهی به رویکردهای مردم در شهر نشان تغییر داده‌اند، وضعیت اقتصادی روی و در مجموع سبک زندگی شهروندان اثر گذاشته است.

گزارش کامل را در سایت «شرق» بخوانید

افقی:

۱- لباس آخرت- رمان مشهور فثانه حاج سیدجوادى که روایت عشق ناكام است
۲- پایتخت اتریش- سلام- خوش‌رفتاری
۳- احمق و کودن- آماده و مهیا- فرزند عرب
۴- گرداگرد دهان- آحاد- قطعه‌ای که اجرای دستگاه موسیقی ایرانی با آن آغاز می‌شود
۵- سازمان کشورهای صادرکننده نفت- جانشینان- لقب پادشاهان حبشه بود
۶- طرز عمل- بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است- یاری‌کننده
۷- خبرگزاری ایتالیا- ضایع‌کردن- مجرای خون
۸- خسیس- شهرستانی در استان سیستان‌وبلوچستان- اسب قهوه‌ای
۹- قورباغه- اکسیر- تخمک
۱۰- بخشدگان- ماقبل پیشین- علم‌موختن
۱۱- شایستگی، لیاقت- فلز- گروه، جماعت
۱۲- دختر کورش هخامنشی- ریخته‌شدن- تکرار حرف دوم
۱۳- دارای اخلاق و رفتار خشک- از نقوش زیبا در هنر نگارگری- وضع حمل
۱۴- احسان- شیون- بهشت
۱۵- معادل فارسی آمفی‌تئاتر- گل نه حوض

عمودی:

۱- خشخاش- نوعی ماده مخدر و بی‌حسی
۲- علم فلسفه می‌داند- ناشناخته- کوچک‌ترین واحد حافظه کامپیوتر
۳- مادر بزرگ- جوهر قلیا- منطقه سردسیر قطب شمال
۴- فلش- اسب سرخ- افسارکسیخته
۵- فیلمی ساخته مجید مجیدی- مناسب تشریفات- سرمه
۶- اصول و مبانی- اشاره- تخت پادشاهی
۷- رویدندی بدن- آلبومی با آواز محمدرضا شجریان و آهنگسازی پرویز مشکاتیان- از وسایل بنایی
۸- سم حشره‌کش- مورد قبول واقع‌شدن- بدون تغییر
۹- از معجزات